

نقش یابی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در جنگ عراق علیه ایران، مبتنی بر نظریه رئالیسم

رحمت عباس تبار مقری^۱، محمد رادمرد^۲، ابراهیم روحانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

چکیده:

موقعیت جغرافیایی، سابقه تمدنی، مذهب تشیع و نیز اکتشاف نفت در قرن اخیر جایگاه ویژه‌ای را در جهان برای ایران ایجاد نمود. در دوران پهلوی با نفوذ گسترده قدرت‌های فرامنطقه‌ای، حکومت ایران به عنوان ژاندارم منطقه و متحد استراتژیک غرب به رهبری ایالات متحده شد. با وقوع انقلاب اسلامی، استکبار جهانی که منافع استراتژیک خود در منطقه را در معرض خطر می‌دید، از طریق نفوذ، تحریم، تهدید، کودتا، تحریکات قومی و در نهایت جنگ تحمیلی در راستای شکست انقلاب و اعاده نظم پیشین برآمد. گسترش دامنه جنگ نیز زمینه‌ساز نقش‌های هر چه بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و فشار بر ایران برای پایان دادن به جنگ شد. لذا چگونگی این نقش‌ها در جنگ و همچنین دلایل آنها در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. یکی از بهترین نظریه‌هایی که می‌تواند شرایط حاکم بر نظام منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل را در شرایط جنگ عراق علیه ایران بعد از انقلاب را تشریح نماید، نظریه نواقع‌گرایی می‌باشد، که در این تحقیق از آن استفاده شده است. در این پژوهش از روش استناد به متون و مستندات تاریخی استفاده شده و با تحلیل داده‌ها، نتیجه حاصله حاکی از آن است که تنها ضعف‌های ایران پس از انقلاب و همچنین قدرت عراق و روحیه جنگ طلبی صدام، از عوامل بروز جنگ نبوده و حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حمایت از صدام که به مرور حتی در اواخر جنگ کاملاً آشکار می‌گردد، مسبب اصلی این جنگ بوده است.

واژگان اصلی: موازنه قدرت، نواقع‌گرایی، ساختار نظام بین‌الملل، تعارض منافع، ثبات هژمونیک.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با ارائه الگویی در جهان اسلام تحت عنوان حکومت الله که قرن‌ها مورد خواست جریان‌های شیعه و سنی بود پای به عرصه وجود نهاد. این انقلاب مصادف شده بود با امضای پیمان صلح کمپ دیوید توسط انور سادات در مصر در برسمیت شناختن اسرائیل. این امر بعد از شکست‌های پی‌در پی اعراب در جنگ ۶ روزه و جنگ یوم الکیپور ۱۹۷۳ در برابر اسرائیل در نهایت موجب سرخوردگی اعراب و امت اسلامی و بطلانی بر سالیان سال نگاه ناسیونالیستی و ناصریسمی بود. در این میان و با فضای سرافکنندگی جریان‌های اسلام‌گرای معاصر، انقلاب اسلامی ایران بدست فقیه‌های شیعی در ایران ایجاد شده و ندای حکومت الله را با شعار محوری نه شرقی و نه غربی و با پشت پا زدن به ساختار حاکم در نظام بین‌الملل که سر داد و به دوران استبداد هزاران ساله شاهنشاهی با تکیه بر مردم و تمسک به تعالیم دین اسلام پایان داد.

نظر به ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیرات عمیق آن بر منافع آمریکا و ارتجاع منطقه، نوعی اجماع نظر نسبت به برخورد با انقلاب وجود داشت. عراق از فضای برخاسته از خصومت نسبت به ایران انقلابی و بر پایه توانمندی نظامی سناریوی حمله به ایران را طرح ریزی کرد و برای اجرای آن تمهیدات لازم از جمله موافقت آمریکایی‌ها را بدست آورد. ایران با توجه به ناتوانی نظامی و بی‌ثباتی سیاسی در وضعیتی قرار نداشت که در برابر عراق به بازدارندگی دست یابد و یا با یارگیری سیاسی و یا ارائه امتیاز تهاجم عراق را منتفی و یا به تأخیر اندازد (درودیان، ۱۳۷۶). برای بررسی رویکرد‌ها می‌توان ماهیت عوامل و زمینه‌هایی را که در وقوع جنگ موثر هستند تجزیه و تحلیل کرد تا میزان صحت آنها روشن شود. عوامل سه‌گانه موثر در وقوع جنگ ناظر بر سه مفهوم انقلاب، محیط بین‌المللی و قدرت نظامی است. این معنا که وقتی موضوع شعارهای انقلاب و صدور آن مطرح می‌شود، در واقع انقلاب و موقعیت و پیامدهای آن مورد توجه است. همچنین وقتی به پیامدهای تصرف سفارت آمریکا و انزوای بین‌المللی ایران اشاره می‌شود، در واقع به شرایط و محیط بین‌المللی و موقعیت ایران در این محیط توجه می‌شود. همچنین وقتی به موضوع ارتش و از هم گسیختگی آن اشاره می‌شود، قدرت نظامی و تأثیر بازدارنده آن در برابر متجاوزان مورد نظر است. واقعیت این است که عوامل مذکور در بسیاری از مواقع به وقوع جنگ انجامیده است. اما در اینجا این پرسش مطرح است که آیا این عوامل موجب وقوع جنگ عراق با ایران شد؟ (درودیان، ۱۳۸۶: ۹۸ و ۹۹)

امام خمینی (ره) در مورد ساختارها و نهادهای بین‌المللی می‌فرماید: مجامع بین‌المللی

لفظی است در خدمت قدرت های بزرگ آمریکا و امثال آن که ادعای بی طرفی می کنند. معلوم است که در این جنایت شریک اند چه جوابی دارند مجامع بین المللی و حقوق بشر، این دست نشاندگان آمریکا و از این جنایاتی که به بشریت وارد شده است می گذرند، افرادی که آمدند و دیدند که چه جنایاتی سلطان کرده است و تصدیق کردند و گزارش دادند و چرا مجامع بین المللی هیچ نگفتند؟ اصلاً مجامع بین المللی لفظی است در خدمت قدرتهای بزرگ نه در خدمت مظلومین و محرومین هر ملتی باید خودش در مقابل جنایات بایستد و ایران ثابت کرد که در مقابل جنایت قدرتها ایستادگی می کند (بنی لوحی، ۱۳۷۸: ۲۰۱)

محققان غربی عموماً بر این باور هستند که انقلاب اسلامی و آثار و نتایج آن بیشترین تاثیر را در وقوع جنگ داشت (درودیان، ۱۳۷۵) بدین معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظام شاه بنای استراتژی آمریکا که بر پایه دو ستون ایران و عربستان سعودی پیریزی شده بود فرو ریخت و از بین رفت (لدین و لویس، ۱۳۶۲: ۳۰۱) و این مسئله مناسبات میان دو کشور ایران و عراق را دستخوش تغییر نمود، بدین ترتیب که موازنه نسبی قوا که بین ایران و عراق حاکم بود تغییر یافت و با پیدایش خلا قدرت در منطقه، موج اسلامی می توانست ثبات منطقه را تهدید جدی نماید. در نتیجه اعاده نظم پیشین لازمه تامین منافع آمریکا و غرب در منطقه بود (تیمرن، ۱۳۷۶: ۱۶۲)

دریافت موجود در غرب از علل ایجاد جنگ و ماهیت آن که به اعتباری نشان دهنده نحوه نگرش غربی ها و مفهوم سازی آنها درباره جنگ با هدف توضیح و تشریح وقایع آن می باشد ناظر بر این معناست که انقلاب اسلامی نظم موجود و حاکم بر منطقه و ایران را برهم زد و نتایج ناشی از این تحول زمینه های وقوع جنگ را موجب شد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، شهریور ۱۳۳۸)

در واقع در غرب جنگ ایران و عراق، از زاویه تجاوز و دفاع که بیان کننده واقعیات جنگ و مبین دیدگاه و نظریات ایران می باشد بررسی نمی شود و بیشتر وضعیتی که به جنگ منجر شد مد نظر بوده است (دیسنر، ۱۳۳۸: ۲۵۹)

در این نگرش مفهوم جنگ به عنوان امری نامطلوب پس از جنگ جهانی دوم در چارچوب نظریه توسعه و تکامل بررسی می گردد. به همین دلیل جنگ عاملی بالقوه مغایر با نظم مطلوب جهان ارزیابی میشود (دیسنر، ۱۳۳۸: ۲۹۸) بر پایه این مفهوم غربی ها انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از آن را برای منافع غرب شامل نفت، ثبات کشورهای مرتجع منطقه، امنیت اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ شوروی، جنایتی علیه نظم جهانی قلمداد می نمایند (دیسنر، ۱۳۳۸: ۳۰۱)

چنین باوری درباره انقلاب اسلامی مقابله با آن را با استفاده از زور و کلیه ابزار و وسائل لازم و نه تنها ضروری بلکه اجتناب ناپذیر می نمایانند. زیرا مسئله اصلی مفهوم درگیری و جنگ نیست، بلکه در این جنگ هدف اصلی و ضروری، واژگون ساختن نظام انقلابی حاکم بر ایران یا تعدیل و مهار آن برای اعاده نظام پیشین می باشد.

با توجه به شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و تحولات گسترده این نقطه از جهان، بسیار ضروریست که با در نظر گرفتن ماهیت تاریخی، عموم تحولات امروزه و دشمنی و اختلافات جدی ایران و برخی کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای مورد بررسی قرار گیرد.

روش کلی این پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی بوده و ابزارگردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای و همچنین از طریق کتب، تحلیل و خاطرات و زندگینامه، مقالات، بانک های اطلاعاتی و اینترنتی می باشد.

این تحقیق نقش یابی قدرت های فرا منطقه ای در جنگ عراق علیه ایران را بررسی نموده و ضمن واکاوی دلایل شروع جنگ عراق علیه ایران، نقش یابی قدرت های فرا منطقه ای علی الخصوص، ایالات متحده را در شروع، تداوم و تحولات منجر به پایان جنگ مورد بررسی قرار خواهد داد.

در باب ادبیات و پیشینه پژوهش باید اشاره کنیم که:

محمد درودیان (۱۳۸۶) در کتابی تحت عنوان «گزینه های راهبردی جنگ» که با تلاش مرکز اسناد دفاع مقدس تدوین شده بیان داشته اند که، بیشترین خسارت با پیروزی انقلاب و سقوط شاه متوجه آمریکا شد و این کشور انقلاب و روند حاکم بر آن را به رسمیت نشناخت و برای بازگشت به نظم پیشین در سطوح گوناگون اعم از توسعه و نفوذ در داخل تا اعمال فشار خارجی اقدام نمود.

- محمد حسین پیکانی (۱۳۹۱) در کتاب خود تحت عنوان «جنگ شهرها و دفاع موشکی» که به کوشش بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در سال ۱۳۹۱ منتشر شده بیان نمودند که، ملاقات صدام رئیس جمهور عراق و برژینسکی در تیرماه ۱۳۵۹ به منزله چراغ سبز آمریکا به عراق برای آغاز جنگ بود. بنابر اطلاعات واصله آمریکایی ها بعد از شکست در ماجرای طبس طرح کودتا و جنگ را بررسی نموده و بنا به دلایلی کودتا را در اولویت قرار می دهند.

- مرتضی شمس (۱۳۷۸) در مقاله ای تحت عنوان «چالش نفت در جنگ تحمیلی» در سال ۱۳۸۷ اظهار نمودند که، سقوط قیمت نفت، که با تصرف «فاو» به دست رزمندگان ایرانی، شتاب بیشتری گرفته بود، با آغاز تابستان سال ۱۳۶۵ ابعاد جدیدی به خود گرفت. فشارهای سیاسی بر خریداران نفت ایران با دادن تخفیف زیاد به آنان با هدف باز نگهداشتن آنها از خرید نفت ایران از ابعاد دیگر جنگ قیمت‌ها بود که فروش نفت ایران در بازارهای سستی خود، مانند ژاپن را با دشواری روبه‌رو می‌ساخت.

- جان دی استمپل (۱۳۹۵) در کتاب خود تحت عنوان «درون انقلاب ایران» که توسط منوچهر شجاعی ترجمه شده و در سال ۱۳۹۵ منتشر شده بیان می‌دارند که، بعد از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در ایران و شکست حمله نظامی آمریکا به طیس و افتضاحات به بار آمده برای آمریکا در عرصه بین الملل، آمریکایی‌ها به دنبال ایجاد فشار اقتصادی سنگین و اجماع جهانی علیه انقلاب ایران رفتند و با اعمال فشار به اروپاییان از نوامبر ۱۹۷۹ تا برخورد نظامی ایران و عراق.

چارچوب نظری:

چارچوب نظری بحث حاضر با نگاه به مکتب رئالیست بوده و در این چارچوب نظری مباحث مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد و تمامی مولفه‌های حاکم بر نظریه رئالیسم مانند سرشت انسان‌ها، دولت‌ها و ساختار نظام بین الملل در ایجاد این جنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از نظریه‌هایی که عموماً در بررسی جنگ‌ها و منازعات از آن استفاده می‌شود نظریه نو واقع‌گرایی است. در دهه ۱۹۷۰ نظریه واقع‌گرایی توسط کنت والتز با این نگاه که این نظریه نسبت به ساختار نظام بین الملل کم توجه بود، در قالب نظریه نو واقع‌گرایی گسترش یافت. نو واقع‌گرایان بر این اعتقادند که سیاست بین الملل را می‌توان به صورت یک ساختار دقیق تعریف کرد. والتز استدلال می‌کند که ساختارها و نظام‌های سیاسی به واسطه اصل سامان دهنده (موقعیت واحدها نسبت به هم چگونه است؟)، تفکیک کارکردها (چگونه کارکردهای سیاسی تخصیص داده می‌شوند؟) و توزیع توانمندی‌ها (قدرت چگونه توزیع می‌شود؟) تعریف می‌شوند. سلسله مراتب و آنارشی که والتز به ترتیب به سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی نسبت می‌دهد، دو اصل سامان دهنده سیاسی اصلی هستند. (برچیل و لینکلتر، ۱۳۹۲: ۵۳)

والتر با در نظر گرفتن این موضوعات معتقد است که در آنارشی، دولت‌ها دست به موازنه می‌زنند تا دنباله روی. در نظم‌های سیاسی سلسله‌مراتبی، بازیگران تمایل به دنباله‌روی از یک نامزد یا فاتح جدید برجسته را دارند، زیرا شکست در این زمینه امنیت آنها را به خطر نمی‌اندازد. دنباله‌روها با هواداری از جناح قویتر، به دنبال افزایش دستاوردها (یا کاهش خسارات) هستند. اما در آنارشی دنباله‌روی به وسیله تقویت کسی که بعداً ممکن است علیه شما اقدام کند، فاجعه می‌آفریند. وقتی حکومتی برای کسب حمایت وجود ندارد، قدرت دیگران به ویژه قدرت‌های بزرگ، همواره تحدید است. موازنه دهندگان می‌کوشند تا با مقابله با یک قدرت قویتر یا در حال صعود، خطر را کاهش دهند. (برچیل و لینکلتر، ۱۳۹۲: ۵۴)

بعضی از دولت‌های قوی قادرند قواعد بازی را به سود خود تغییر دهند و روابط آنها نیز از عواملی چون وضعیت مناطق حساس، تعارضات ناشی از کسب منافع یا برعکس، از توافقهایی که برای تحقق اهدافشان حاصل می‌شود تأثیر می‌پذیرد. البته جریان این بازی لزوماً با آرامش همراه نیست. بر این اساس چه بسا یک تغییر جهت ناگهانی در یک منطقه حساس موجب بحران شود و تشدید آن، زمینه را برای وقوع جنگ فراهم کند و در مراحل بعد وضعیت نوینی در صحنه سیاست بین‌الملل پدید آید. (قوام، ۱۴۰۰: ۱۱۵)

با اتکا به رهیافت نو واقع‌گرایانه، زمانی که شرایط حاکم بر ایران ابتدای انقلاب را با آن شعارهای استکبارستیزی که ماهیت انقلاب اسلامی و پشت‌پا زدن به ابرقدرت‌ها است را در یک سو و نیز همسایه غربی‌جاء طلب و دنباله‌روی سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا بعد از خلاء قدرت در منطقه ناشی از فروپاشی نظام ژاندارم منطقه را می‌بینیم در نهایت بروز جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد شد.

با توجه به موارد ذکر شده، یکی از بهترین نظریه‌هایی که می‌تواند شرایط حاکم بر نظام منطقه‌ای و ساختار بین‌الملل را در شرایط ایران بعد از انقلاب اسلامی با تحولات خاص و گسترده آن، برهه تاریخی را تشریح نماید نظریه نوواقع‌گرایی می‌باشد.

در بررسی‌های بعمل آمده نیز از روش استناد به متون و مدارک و مستندات تاریخی از سوی نویسندگان و مورخان و خاطرات افراد حاضر در عرصه‌های میدانی جنگ مورد استفاده قرار گرفته است.

مناقشات مرزی ایران و عراق:

در این قسمت از تحقیق سعی شده تا پیشینه تاریخی اختلافات مرزی ایران با عراق در چندین برهه تاریخی از جمله اختلافات در زمان سلسله صفوی و حکومت عثمانی و سپس در زمان حکومت قاجاریه و در قسمت بعد نیز در دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول و تشکیل کشور عراق و در انتها نیز ادامه درگیری ها در برهه زمانی بعد از جنگ دوم جهانی و از زمان تشکیل حزب بعث در عراق و حکومت پهلوی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اختلافات مرزی ایران و عراق به دوران حکومت سلسله صفویه در ایران و دولت عثمانی که عراق بخشی از خاک آن بوده است باز می‌گردد. سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی در سال ۱۴۵۳ میلادی با تأسیس امپراتوری نیرومند عثمانی در صدد کشورگشایی برآمد. سلسله صفوی را نیز شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۰۲ میلادی با برسمیت شناختن مذهب تشیع در ایران تأسیس کرد که هدف اصلی آن حفظ تمامیت ارضی ایران از خطر هجوم ترکان عثمانی بود. نبردهای خونینی بین دو کشور طی ۴۰۰ سال ادامه داشته است و کشورهای اروپایی از زمانی که دولت قدرتمند صفویه در قبال عثمانی قد علم کرد همواره با تحریک و توطئه سعی کردند قدرت عظیم امپراتوری عثمانی را متوجه ایران کنند. جورج وسترن میگوید امپراتوری صفوی در این زمان افساری به ترکها زده و مانع از آن شده بود که دنیای مسیحیت بیش از این متحمل زیان شود (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۷ و ۱۸)

اختلافات ایران و دولت عثمانی در طول چهار قرن ۱۵۱۴ تا ۱۹۱۴ با وجود انعقاد بیش از ۱۸ قرارداد صلح و چندین پروتکل مرزی که اولین آن عهدنامه معروف آماسیه در دوران صفویه بود همچنان حل نشده ماند و این منازعات به دولت تازه تأسیس عراق پس از جنگ جهانی اول منتقل گردید. در اواخر دوره فتحعلی‌شاه مسئله رفت و آمد ایلات چادر نشین در مناطق مرزی میان دو کشور باعث بروز درگیری هایی شد. عباس میرزا برای تثبیت اوضاع به غرب لشکر کشید و تا بغداد پیش رفت. دولت عثمانی ناچار تقاضای صلح کرد و پس از مذاکرات نمایندگان ایران و عثمانی در شهر ارزنه الروم معاهده اول ارزنه الروم در سال ۱۸۲۳ بین دو دولت به امضا رسید. در دوره محمد شاه نیز اختلافات ایران و عثمانی بالا گرفت که در نهایت با وساطت دولت روسیه و انگلیس عهدنامه دوم ارزنه الروم بین دو کشور منعقد شد. (درویشی سه تالانی، ۱۳۸۵: ۲۱)

پس از جنگ جهانی اول خلافت ۵۰۰ ساله عثمانی ها پایان یافت و امپراتوری عثمانی به دنبال شکست تجزیه و نابود شد. فاتحان این جنگ تحت عنوان معاهده سایکس پیکو بین

کشورهای انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۲۰ میلادی یا ۱۲۹۹ هجری کشور عراق را شامل سه ایالت بصره، بغداد و موصل دارای هویت سیاسی نموده و تأسیس کردند. عراق پس از تأسیس تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت و تا سال ۱۹۳۲ میلادی استقلال سیاسی به دست نیاورد تنش های بین ایران و عراق پس از استقلال این کشور تحت حمایت انگلستان آغاز شد. از مهمترین دلایل اختلافات ایجاد شده بین دو کشور نقش علمای ایرانی ساکن عراق و شیعیان و نیز اقوام کرد در دو کشور و همچنین تجزیه خوزستان و در نهایت مسئله اروندرود را می توان نام برد. (باباپورگل افشانی، ۱۳۸۹: ۴۰ و ۴۱)

در سال ۱۳۲۹ شمسی با ملی شدن صنعت نفت ایران، از سوی انگلیس توطئه‌ای برای تضعیف خوزستان به مرحله اجرا در آمد که قرار بود خوزستان به یک کشور مستقل مانند کویت، عمان و قطر تبدیل شود. با وجود اینکه ناو جنگی موریس انگلیس وارد اروندرود شد و نیروهای نظامی عراق هم برای اجرای این توطئه آرایش گرفتند اما با سقوط دولت مصدق و گرایش دوباره ایران به غرب این مسئله خنثی شد (باباپور گل افشانی، ۱۳۸۹: ۴۳ و ۴۴)

روابط مرزی ایران و عراق در سال ۱۳۴۸ به شدت تیره و تار شد و دولت عراق در آن سال اعلام کرد که شط العرب جزو قلمرو عراق است. ارتش ایران نیز برای رویارویی نظامی در نزدیکی اروندرود مستقر شد. درگیری های متعدد مرزی که تلفات بسیاری از دو کشور گرفت موجب شد تا ایران و عراق با درخواست شورای امنیت و با میانجیگری الجزایر وارد فاز مذاکره شوند. در نهایت در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۳ خرداد ۱۳۵۴) قرارداد مرزی بین ایران و عراق در بغداد و در حضور عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب الجزایر به امضای وزرای خارجه ایران و عراق رسید. در معاهده ۱۹۷۵ مرزهای آبی دو کشور بر اساس خط تالوگ و مرزهای زمینی بر اساس پروتکل قسطنطنیه (۱۹۱۳) تعیین شد. همچنین دو کشور موافقت کردند که از رخنه اخلال گران در مرزهای دو کشور جلوگیری کنند. (پایگاه خبری تسنیم: ۱۳۹۸/۶/۲۵)

بروز مشکلات مرزی بین دو کشور در جهان سوم امری طبیعی است و هر کس می تواند با نگاهی گذرا به نقشه جهان سوم از این امر مطمئن شود و علت این است که حدود بین این کشورها که اغلب بعد از اعلام استقلال آنها تعیین گردیده به شکلی بوده که هر زمان یکی از دست نشانندگان غربی حاکم بر آن کشورها در صدد شکستن طوق اطاعت و خروج از چارچوب تعیین شده آنها برآید غرب برای به اطاعت درآوردن آن دست نشانده مشکل مرزی را احیا می کند

و هر زمان اوضاع به حالت طبیعی در آید مشکل مزبور را مسکوت می‌گذارند تا بتوانند در زمان مناسب از آن استفاده کنند. صدام از مسائل مرزی قدیمی به عنوان دلیل و بهانه‌های بی‌اساس برای شروع حمله گسترده علیه ایران استفاده کرد. بی‌آنکه تلاشی در جهت اثبات ادعای خود مبنی بر نقض توافقنامه از سوی ایران کرده باشد. (عبدالرحمن، ۱۳۶۹: ۱۹ و ۲۰)

شرایط داخلی ایران و عراق در بستر جنگ

انقلاب اسلامی ایران تقریباً مصادف شده بود با تحولات بسیار گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی و بخصوص در جهان اسلام. انور سادات بعد از امضای پیمان کمپ دیوید در برسمیت شناختن اسرائیل به آرمان‌های چندین دهه مسلمانان و بخصوص اعراب خیانت کرد و جهان عرب را دچار بحران رهبری نمود. در همین برهه و فاصله چند ماه از انقلاب اسلامی ایران، صدام حسین در عراق با کودتای نظامی خاموش با تکیه بر نگاه ناسیونالیستی عربی به رهبری رسید و در پی این خلاء رهبری با شعار نجات فلسطین و سربلندی اعراب بدنبال رهبری جهان عرب بود. بلافاصله بعد از انقلاب نیز شوروی به حمایت از دولت کمونیستی افغانستان به این کشور حمله سراسری نموده و تمام معادلات منطقه را به یکباره بر هم می‌زند.

ایران بعد از انقلاب اسلامی در درون کشور با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو شده و در سیاست خارجی نیز با کارشکنی‌های ابرقدرت‌های حاکم بر نظام بین‌المللی دچار بحران‌ها و مسائل گوناگونی میشود، که در نهایت نیز برآیند این موضوعات به جنگ با همسایه غربی می‌انجامد. تحلیل شرایط حاکم بر ایران و عراق در ۱۶ ماه بعد از انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی در این فصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با تعیین مهندس مهدی بازرگان به عنوان اولین نخست‌وزیر انقلاب توسط حضرت امام خمینی متأسفانه جریانی که در دولت او شکل گرفت خط انحراف از مبانی انقلاب اسلامی و خط امام و ارزشهای مقدس اسلام ناب محمدی بود. ترکیب دولت موقت اکثراً از لیبرالها، ملی‌گراها و افرادی که وابسته به نهضت آزادی بودند تشکیل شد و خط مشیی که از سوی آنها اتخاذ می‌شد مورد قبول نیروهای انقلابی و خط امامی نبود. آنها تقریباً مربوط به آمریکایی‌ها بودند (نجف پور، ۱۳۸۳: ۱۲۶)

در کنار مواضع و نگاه‌های دولت لیبرال، به موارد دیگری نیز می‌توان اشاره کرد که به نوعی از سوی لیبرال‌ها در اوایل انقلاب مطرح شد و بر روی آمادگی و توان رزم نیروهای مسلح کشور تاثیر منفی گذاشت. مهمترین این موارد عبارتند از، از هم پاشیدگی نظام اطلاعاتی ارتش به ویژه فراخوان

وابسته‌های نظامی از کشورهای خارجی، انتقال پرسنل کادر ارتش اعم از افسر و درجه دار به واحدهای نظامی و حتی غیر نظامی محل زندگی به طور دلخواه به ویژه عناصر متخصص و فنی و در ادامه نیز کاهش مدت خدمت سربازی از دو سال به یک سال (عسگری، ۱۳۸۷: ۵۷ و ۵۸)

در رابطه شرایط داخلی ایران قبل از شروع جنگ اسنادی در قالب تحلیل و خاطرات در منابع عراقی ذکر شده که در نظر گرفتن این دست موارد محقق را به تحلیل درستی از شرایط حاکم بر منطقه و ایران در مناقشه پیش رو با همسایه غربی می‌رساند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

در این رابطه سرلشگر ستاد و فیک السامرای می‌مستول قسمت ایران در سازمان اطلاعات ارتش عراق در کتاب ویرانی دروازه شرقی چنین می‌نویسد:

برتری جمعیتی ایران که سه برابر جمعیت عراق بود عامل برتری ایران تلقی می‌شد. تبدیل کردن این عامل به دردسری برای حکومت ایران مستلزم یک جنگ نظامی بلند مدت و یا طرح جنگی اقتصادی فراگیر بود. بعد از سرنگونی شاه توانمندی رزمی ایران به سرعت کاهش یافت و تا ۴۰٪ توانمندی سابقش افت کرد. بیش از نیمی از هواپیماهای جنگی و صدها فروند هلیکوپتر از کار افتادند. افسرانی که در جاتشان بالاتر از سرهنگی بود بازنشسته و نیروهای مسلح دست‌خوش ضعف خطرناک شدند. نیروهای سپاه پاسداران نیز گرفتار کنترل امنیت از دست رفته در ایران به ویژه در کردستان و بلوچستان بودند و هنوز به عنوان یک نیروی رزمی برای جنگ خارجی مطرح نبودند. نیروهای ما و وضعیت عراق از برتری کاملاً آشکاری برخوردار بودند. اما مسائل مربوط به یک لشگرکشی بلند مدت به عنوان عامل موثری در روند درگیری به جای خود باقی بود. (السامرای، ۱۳۷۷: ۵۱)

بررسی شرایط حاکم بر عراق از جهت سیاسی، اقتصادی و نظامی قبل از شروع حمله به ایران از منظر اصول نظامی بسیار مهم می‌باشد.

صدام حسین با ترساندن دیگر کشورهای منطقه از صدور انقلاب اسلامی شرایط منطقه را برای ایجاد ضربه نظامی به ایران آماده کرد و از طرفی تمایل شرق و غرب را که از نظر ماهوی با انقلاب اسلامی مخالف بودند به خود متوجه نمود. رژیم عراق با استفاده از سیاست بهره‌گیری از دو ابرقدرت شرق و غرب بدون آن که مناسبات خود را با شرق کاهش دهد به بلوک غرب نزدیک شد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹: ۶۹ و ۷۰)

به طور کلی عراق از نظر اقتصادی تا سال ۱۹۸۰ میلادی جنگ با ایران را آغاز کرد کشوری

ثروتمند بود و درآمد هنگفت نفت برای گردش چرخ های اقتصاد و رفاه مردم آن کفایت می‌کرد. چرا که هم ذخایر ارزی این کشور بیش از ۳۰ میلیارد دلار بود و هم تولید نفت این کشور پیش از جنگ تحمیلی روزانه ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود و از طرفی ذخایر گاز عراق نیز در سال ۱۹۷۷ حدود ۷۶۴ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده بود. (باباپور گل افشانی، ۱۳۸۹: ۶۸)

عراق به بهانه مقابله با صدور انقلاب اسلامی خرید تجهیزات از آمریکا را آغاز کرد. عراق دومین کشور عرب بعد از مصر است که در سال ۱۹۷۲ قرارداد ۱۵ ساله دوستی و همکاری با شوروی را امضا کرد. این قرارداد از نظر اقتصادی و نظامی حائز اهمیت بود و تعلیم و تجهیز ارتش عراق به مستشاران روسی واگذار شد. پس از انعقاد این قرارداد به ویژه از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ شوروی پیشرفته ترین سلاح های خود را در اختیار عراق گذاشت. همچنین کشور فرانسه با امضای قرارداد نظامی با عراق در سال ۱۹۸۰ به یکی از بزرگترین منابع تسلیحاتی ارتش عراق درآمد. نیروی هوایی این کشور توسط متخصصان فرانسوی تجدید سازمان شد. به هر حال رژیم عراق توانست در فاصله کوتاهی با برقراری توازن در روابط خارجی، از رقابت شرق و غرب در جهت افزایش توان نظامی خود سود ببرد. (باباپور گل افشانی، ۱۳۸۹: ۶۸ و ۶۹)

اینک با مقایسه اوضاع اقتصادی سیاسی و نظامی دو کشور می‌توان پی برد که ایران در وضعیت مناسبی برای دفاع در مقابل هجوم سراسری عراق نبود و از طرفی عراق همه زمینه‌های تهاجم را دارا بود.

اهداف عراق در این تهاجم در سه سطح قابل تقسیم بندی است: لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، تجزیه ایران با جدا کردن استان خوزستان و در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران. در این میان به نظر می‌رسد لغو قرارداد الجزایر و تسلط کامل عراق بر رودخانه اروندر نازلترین بخش از اهداف رژیم عراق بود. ادوارد وودلاک یکی از کارشناسان برجسته مسائل دفاعی آمریکا و استاد دانشگاه جورج واشنگتن تنها ۴ روز پس از آغاز تجاوز عراق در روزنامه کریستین ساینس مانیتور درج شده بود نوشت: احتمالاً عراق در جنگ با ایران سه هدف را در نظر داشت، اولین هدف عراقی‌ها تسلط برشط العرب و کنترل این شاهراه آبی منتهی به خلیج فارس است. هدف دوم عراقیها استان خوزستان و سومین هدفشان با توسل به فشار از طریق دو مورد اول سرنگونی رژیم امام خمینی بود. (دردویان و شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹: ۲۴ و ۲۵)

منفعت‌گرایی کشورهای منطقه در جنگ عراق علیه ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم شاه که عامل سرسپرده آمریکا در منطقه بود، ساقط شد و بنای استراتژی آمریکا در منطقه خلیج فارس که بر دو ستون ایران و عربستان پیریزی شده بود فرو ریخت. فروپاشی عمده‌ترین متحد آمریکا در شرق خاورمیانه منطقه، خلیج فارس را در خلأ قدرت فرو برد و انقلاب اسلامی ایران نیز به علت پیوندش با آرمان‌های انقلابی اسلام، موج عظیمی از آرمان‌خواهی اسلامی را در توده‌های مسلمان منطقه ایجاد نمود. جنبش‌های اسلامی در کشورهای منطقه رشد سریعی یافتند و کنترل آن‌ها حتی در استبدادی‌ترین کشورهای منطقه با دشواری مواجه شد. حکومت عربستان سعودی با قیام شیعیان چنان تهدید شده بود که حاکمان این کشور برای سرکوب آنان از فرانسه کمک نظامی گرفتند. هنگامی که مخالفین رژیم عربستان، کعبه معظمه را به اشغال خود درآوردند ۳۰ هزار سرباز سعودی به فرماندهی ژاندارم‌های ضد شورشی فرانسه، پس از دریافت وسایل ضد تروریستی که با یک هواپیما از فرانسه رسید توانستند، پس از ۱۲ ساعت به اشغال کعبه خاتمه دهند. همزمان با مستقر شدن فرانسوی‌ها در موقعیت فرماندهی و کنترل بحران، معلوم شد که عده‌ای از افسران سعودی به مخالفین پیوسته‌اند و اشغال مسجد الحرام جزئی از یک قیام وسیع‌تری بوده که از حمایت بخشی از نیروهای ارتش سعودی نیز برخوردار بوده است. همچنین در دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله، کویت، امارات و بحرین نیز نهضت‌های ضد بیگانه و آرمان‌خواهانه گسترش چشمگیری یافت (درویشی سه تالانی، ۱۳۸۵: ۱۲۱) در حقیقت با وقوع جنگ ایران و عراق، هر چند به طور مصنوعی، محیطی ایجاد گشت که اعضای شورای همکاری یعنی ۶ کشور عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس شامل عربستان سعودی، کویت، عمان، قطر، بحرین و امارات عربی متحده را وادار ساخت تا علی‌رغم اختلافاتشان جهت تأمین نیازهای امنیتی مشترک در یک پیمان منطقه‌ای گردهم آیند. شورای همکاری خلیج فارس حدود ۸ ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) توسط عراق و زمینگیر شدن نیروهای آن کشور در خاک ایران تاسیس گردید. کشورهای عرب جنوب خلیج فارس از همان آغاز تجاوز عراق، کمک‌های بسیار ذیقیمتی در اختیار عراق گذاشتند (نخعی، ۱۳۷۳: ۴۵ و ۴۶) با بررسی‌های بعمل آمده در آخرین مدارک و مستندات منتشره از سوی منابع معتبر مشخص شده که اغلب کشورهای شورا از قصد صدام برای آغاز جنگ مطلع شده و وی را از کمک‌های مالی، تدارکاتی و حمایت‌های سیاسی خود مطمئن ساخته بودند. آنتونی کاردمن

نویسنده کتاب (درس‌هایی از جنگ‌های مدرن) در همین زمینه می‌نویسد: اخبار تأیید شده حاکی است که کویت، بحرین، قطر و عربستان سعودی دو روز قبل از آغاز حمله عراق به ایران موافقت کرده بودند که از نظر مالی به عراق کمک کنند. هیچ تردیدی نیست که صدام حسین گروهی از رهبران کشورهای خلیج فارس را در ماه‌های ژوئیه و اوت از طرح حمله به ایران مطلع کرده بود، اما خیلی روشن نیست که آیا عراق از آنها چک سفید گرفته بود یا خیر (نخعی، ۱۳۷۳: ۴۶)

در بررسی مطبوعات و اخبار منتشره در آن دوره زمانی نیز مواردی در تأیید ادعاهای ارائه شده موجود می‌باشد که در ادامه به آن می‌پردازیم: نشریه چاپ کویت در شروع جنگ در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۵۹ از تدارک افزایش تولید و صدور نفت عربستان سعودی خبر می‌دهد. وزیر نفت عربستان، زکی یمانی اعلام می‌دارد که توقف نفت ایران و عراق باعث شد تا کویت، عربستان، امارات و قطر تولید خود را افزایش دهند. وی گفت در سقف ده میلیون بشکه نیز الزاماً متوقف نخواهم شد و این بستگی به بازار دارد و همچنین در تاریخ ۲ آذر ماه نیز خبرگزاری فرانسه شادمانی توقف قیمت نفت روی بشکه ای ۴۱ دلار را نشان می‌دهد و اعلام می‌دارد که خبرهای مربوط به شروع مجدد صدور نفت عراق این توقف را باعث شد (نخعی، ۱۳۷۳: ۴۹)

در چنین وضعیتی صدام که به نگرانی دولت‌های منطقه از گسترش انقلاب اسلامی پی برده بود بسیار تلاش می‌کرد که خود را ناجی این دولتها معرفی نماید. به همین دلیل اندکی پس از موضع‌گیری کارتر در سال ۱۹۸۰ میلادی مبنی بر دفع هرگونه تجاوزی نسبت به کشورهای منطقه صدام نیز در اقدامی مشابه پشتیبانی خود را از کشورهای منطقه اعلام نمود. در پی شکست کودتا و فرار عناصر باقیمانده کودتاچیان به خاک عراق و تشریح وضعیت نظامی ایران، عراقی‌ها که از چند ماه قبل برای تجاوز به ایران در آمادگی بسر می‌بردند، بر حجم تحرکات سیاسی و دیپلماتیک خویش افزودند. روز چهاردهم مرداد ۱۳۵۹، صدام حسین رأس یک هیأت بلند پایه عراقی ظاهراً جهت شرکت در اجلاس سران اتحادیه ی عرب عازم شهر طائف، محل برپایی اجلاس مزبور در عربستان سعودی شد. مجله ی فرانسه زبان ژون آفریک درباره ی این سفر و مسائل پشت پرده ی آن مینویسد: روز پنجم اوت ۱۹۸۰ زمامداران عربستان در جریان برپایی اجلاس طائف و هنگام استقبال از صدام، درست یک ماه و نیم مانده به شروع جنگ، هدیه ی شاهانه ای به وی دادند. این هدیه گزارشی تهیه شده از سوی سرویس‌های سری اطلاعاتی آمریکا "C.I.A DA" بود که در آن به تفصیل اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران تشریح شده بود. حتی بیش از این در

این اسناد واقعیات دقیقی درباره ی وضعیت ارتش ایران، تعداد نفرات آن، مواضع و تجهیزات آن که هنوز قابل بهره برداری است و نیز اطلاعات متنوع دیگری که بسیار حساس و محرمانه بود به صدام حسین هدیه شد. خلاصه، این یک نقشه ی تهاجم کامل بود (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۵)

با شروع جنگ و خرید تجهیزات و امکانات و هواپیماهای جنگی مشکلات مهمی در درآمدهای مالی عراق بروز نکرد و وکشورهای خلیج فارس ده ها میلیارد دلار برای پشتیبانی از ماشین جنگی عراق در اختیار این کشور قرار دادند. عراق می توانست از کشورها و بانک های مختلف، مبالغ هنگفتی را استقراض نماید. در شرایطی که خزانه ایران پیش از جنگ کاملاً خالی بود. شاید بندرت اتفاق افتاده باشد که کشوری وارد جنگ شود و پس از اینکه جنگ را پشت سر گذارد، تعداد هواپیماهایش دو برابر شده باشد، اما چنین اتفاقی در مورد عراق رخ داد. هنگامی که جنگ با ایران به پایان رسید و جنگ دوم، یعنی جنگ کویت آغاز شد، ما بیش از ۶۰۰ هواپیمای جنگنده در اختیار داشتیم (السامرای، ۱۳۷۷: ۷۰ و ۷۱)

سیاست تثبیت هژمونیک کشورهای فرامنطقه‌ای

در حقیقت باید گفت که صدام اگر قبل از شروع جنگ تحمیلی از حمایت آمریکا و دیگر کشورهای قدرتمند فرامنطقه ای و به تبع آن نهادهای بین المللی مطمئن نبود، در نیت حمله سراسری و گسترده خود به ایران تجدید نظر می کرد. در ادامه به بررسی این موضوع با رجوع به مستندات تاریخی پرداخته می شود.

امام خمینی (ره) در صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۲۴۱ در رابطه با همین موضوعات مطروحه در خصوص حمایت و نقش آمریکا در زمینه آتش افروزی و ایجاد جنگ بین ایران و عراق می فرمایند: صدام بی خرد را اغوا کردند که برو و فتح قادسیه را تجدید کن و بدان که ایران یک لقمه چرب و نرمی است که به آسانی می شود آن را بلعید. این احمق هم بدون اینکه به اطراف قضیه توجه بکند به واسطه آن غرور شیطانی که داشت و آن اغواهایی که شیاطین خارجی کردند و او را وادار کردند به این که به ایران حمله کند این کار ابلهانه را کرد و جواب خودش را دید و دارد می بیند.

اولین موضع گیری صریح و خشن صدام علیه ایران در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ درست یک روز قبل از اعلام قطع رابطه آمریکا با جمهوری اسلامی در حکمی آشکارترین اعلام آمادگی عراق برای وارد آوردن فشار به ایران در جهت سیاست آمریکا بود. البته این حرف های صدام صرف نظر از سرشت سودایی و خواب و خیال های طلایی مرهون عامل دیگری هم بود، سفرهای

محرمانه زیگنیو برژینسکی عضو ارشد شورای روابط خارجی و رئیس شورای امنیت ملی آمریکا در حکومت کارتر به بغداد. در کتاب گذری بر دو سال جنگ می خوانیم دکتر برژینسکی متخصص عملیات محرمانه و سیاست خارجی پشت پرده در مقام ریاست شورای امنیت ملی آمریکا و با بهره گیری از سیطره خود بر عملکرد های نظامی سازمان سیا و اختیارات ناشی از این اقتدار به طور فعالانه ای در زمینه پیوند ها و همکاری های پنهان آمریکا و حزب بعث عراق قبل از شروع جنگ تحمیلی مشارکت داشته است (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۶)

برژینسکی برای آماده سازی تهاجم و اطلاع یافتن از وضعیت عراق برای شروع جنگ سفرهای محرمانه مکرری به بغداد کرده به طوری که مجله ژورنال استریت مورخ هشتم فوریه ۱۹۸۶ یا ۱۹۸۷ بهمن ۱۳۵۸ یکی از این سفرهای محرمانه را فاش می سازد. همچنین روزنامه تایمز چاپ لندن در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۸۰ به ملاقات برژینسکی و صدام حسین اشاره کرده است. نخستین ثمره عملیات محرمانه و سیاست خارجی پشت پرده اعمال شده توسط برژینسکی در سفرهای مخفیانه به بغداد فعال شدن ماشین جنگی عراق در طول مرزهای آن با ایران بود. رژیم عراق بلافاصله بر حجم نقل و انتقالات نظامی و تجاوزات مرزی افزود، به گونه ای که بسیاری از ناظران وقوع جنگ میان دو کشور را محتمل ارزیابی کردند و در نتیجه بخشی از نیروهای نظامی ایران در مرز مستقر شدند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۷) در چنین شرایطی بود که طرح عملیاتی محرمانه موسوم به کاسه برنج با هدف آزادسازی گروگان های آمریکایی از ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ برابر با ۲۳ فروردین ۱۳۵۹ در جلسه ویژه شورای امنیت ملی آمریکا به تصویب رسید و ۱۳ روز بعد در ۵ اردیبهشت ۵۹ با نام رمز پنجه عقاب به اجرا درآمد، زیرا زیگنیو برژینسکی معتقد بود زمان تیغ زدن به دمل فرا رسیده است. برژینسکی صدام را نیروی متعادل کننده آیت الله خمینی تلقی میکرد. متعاقب شکست فزاینده بار عملیات تفنگداران دلتا در صحرای طبس روز هفتم ماه مه ۱۹۸۰ برژینسکی با حضور در یک کنفرانس مطبوعاتی برآشفته از شکست و رسوایی مداخله نظامی مستقیم ایالات متحده در ایران بی احتیاطی به خرج داد و گفت: آمریکا قادر است تمام کوشش های لازم را به عمل آورد و تمام وسایل لازمه را نیز در اختیار دارد تا ایران را به قبول نظریات آمریکا وادار سازد. (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۸ و ۳۰)

ملاقات صدام و برژینسکی در تیرماه ۱۳۵۹ به منزله چراغ سبز آمریکا به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا

قرار خواهد گرفت. بنابر اطلاعات واصله آمریکایی‌ها پس از ماجرای طبس طرح کودتا و جنگ را بررسی کرده و بنا به دلایلی کودتا را در اولویت قرار می‌دهند. پس از شکست کودتای نوژه و فرار عناصر کودتاچی به عراق و تشریح وضعیت نظامی ایران، عراقی‌ها که در چند ماه قبل برای تجاوز به ایران در آمادگی به سر برده و همراه با کودتای نوژه نیز در ۲۰ نقطه مرزی درگیری ایجاد کرده بودند، به نقل و انتقالات خود افزودند و سرانجام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم سراسری خود را آغاز کردند (پیکانی، ۱۳۹۱: ۱۹)

مرور مصاحبه‌های مقامات رسمی عراق در آن برهه زمانی اهداف عراق در تهاجم به ایران را روشن می‌سازد. در آبان ۵۹ صدام در مصاحبه‌ای گفت: ما از تجزیه ایران ناراحت نمی‌شویم و صریح اعلام می‌داریم در شرایطی که این کشور دشمنی می‌ورزد هر فرد عراقی و یا شاید هر عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود.

طارق عزیز نخست‌وزیر وقت عراق نیز اعلام کرد: وجود پنج ایران کوچک‌تر بهتر از وجود یک ایران واحد است. ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و برای همین مسئله خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود. معاون نخست‌وزیر عراق نیز در مصاحبه‌ای تأکید کرد این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر خاک و یا نصف شط العرب نیست.

این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۸)

در یکی از خاطرات نیروهای عراقی نیز نوشته شده که: شاید به ندرت اتفاق افتاده باشد که کشوری وارد جنگ می‌شود و پس از اینکه جنگ را پشت سر گذارد تعداد هواپیماهای آن دو برابر شده باشد. اما چنین اتفاقی در مورد عراق رخ داد. هنگامی که جنگ با ایران به پایان رسید و جنگ دوم یعنی جنگ کویت آغاز شد، ما بیش از ۶۰۰ هواپیمای جنگنده در اختیار داشتیم که صدها فروند آن‌ها را هواپیماهای مدرن ساخت شوروی سابق و فرانسه تشکیل می‌دادند. اگر کمک‌های مالی هنگفت در اختیار ما قرار نمی‌گرفت چنین چیزی تحقق نمی‌یافت. نیروی هوایی عراق نقش مهمی در مراحل میانی و پایانی جنگ ایفا نمود (السامرای، ۱۳۷۷: ۷۱)

نکته جالب در طول شروع درگیرهای بسیار خطرناک بین دو کشور سکوت معنادار و حمایت‌های جانب دارانه از عراق توسط نهادهای بین‌المللی حاضر در عرصه بین‌المللی است که هدفی جز ایجاد و تثبیت امنیت و سعی در ایجاد آرامش بین ملل درگیر ندارند می‌باشد. دیرکل وقت سازمان کنفرانس اسلامی بعد از شروع جنگ و حمله سراسری عراق، طی

ارسال یک تلگراف به امام خمینی (ره) و صدام حسین خواستار برقراری آتش بس فوری می‌شود. سازمان ملل که موضع‌گیری‌های شورای امنیت آن به عنوان نهاد رسمی حل مناقشه است در زمان کورت والد‌هایم دبیرکل وقت سازمان ملل به فاصله بعد از حمله ۱۹۲ هوایما در ۳۱ شهریور ۵۹ در طول ۱۱۸۰ کیلومتر مرز مشترک و حمله به ۲۲ فرودگاه ایران در نوع خود بی‌نظیر است. وی در نامه‌ای اعلام می‌دارد من از گسترش اختلاف بین ایران و عراق نگران هستم و این امر به عقیده من یک تهدید جدی و بالقوه برای صلح و امنیت بین‌المللی است.

شش روز بعد از شروع حمله سراسری عراق به ایران در طول ۱۱۸۰ کیلومتر مرز مشترک زمینی شورای امنیت نخستین قطعنامه خود را به شماره ۴۷۹ با نام بررسی وضعیت میان ایران و عراق صادر کرد. در این قطعنامه به وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح و وقوع تجاوز و نقض تمامیت ارضی ایران اشاره نشده بود. این توصیه نه برقراری آتش بس یا بازگشت به مرزهای بین‌المللی بلکه خودداری از توسل بیشتر به زور را از دو طرف خواسته بود. در واقع این قطعنامه آگاهانه از تجاوز و حمله عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران و تحمیل جنگ و وضعیت اسفبار مردم جنوب غرب کشور که نتیجه حمله عراق به اهداف غیر نظامی و افراد غیر مسلح بود چشم پوشید.

شورای امنیت پس از نخستین قطعنامه خود در حالی که عراق در صدد تحکیم مواضع بدست آمده بود برای مدتی طولانی در حدود ۲۱ ماه و ۱۵ روز سکوت کرد (پایگاه خبری مهر، ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های بعمل آمده در تحقیق فوق در نهایت این فرضیه تأیید می‌شود که در عرصه بین‌المللی نظریه رئالیسم حاکم بوده و باید واقع‌گرایانه به تنش‌ها، تهدیدها و منازعات نگریست. در شرایط ایران ملتهب و نابسامان دوران انقلاب حرکت هر چه سریع‌تر در جهت تضعیف ارکان و مولفه‌های قدرت ملی و ایجاد کننده توازن قوا در عرصه منطقه‌ای و فراملی و چشم‌امید داشتن به ورای مرزها و قدرت‌های بزرگ و دور شدن از ایدئولوژی‌های انقلاب که ذاتاً استکبار ستیز و استبداد ستیز و استعمار ستیز می‌باشد، در نهایت به تضعیف عناصر قدرت ملی منجر شده و خوش‌خیالی و خوش‌بینی بیش از حد به ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل کشور را در عرصه نابودی خواهد کشید. صدام شاید اگر فقط به روحیه خشن نظامی‌گری و خونریزی و یا ساختار حزب بعث و یا قدرت بسیار بالای خویش و ضعف و سستی نظامی ایران را در نظر می‌گرفت هیچگاه این چنین وارد عرصه کارزار جنگی طولانی و ویرانگر و همه‌جانبه با ایران نمی‌شد، چرا

که بعد از پذیرش قطعنامه نیز بر اساس مستندات موجود حداقل بر روی کاغذ، هم خودش و هم حزب بعث سر جایش بود و هم اینکه از جهت قدرت نظامی به هیچ وجه قابل قیاس با ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ نبود و بسیار قدرتمند تر شده بود. پس چرا دوباره به ایران لشگر کشی نکرد؟ اینجاست که در کنار قدرت ایمان و اراده ملت قدرتمند ایران که در سایه تمسک به اسلام و رهبری جلوه گر می شود، صدامی را باید دید که در انتهای جنگ در نگاه بین المللی دیگر بازیگر سوخته شده و حمایت ساختار حاکم بر نظام بین الملل و بالخصوص آمریکا را نداشت و اینگونه بود که از ابتدا نیز در سایه تحریک و حمایت آمریکا و پشتوانه ماشین عظیم نظامی و اطلاعاتی و تدارکاتی و تبلیغاتی و حمایتی آن رژیم دست به چنین جنایاتی زد.

منابع

- افرايم، كاريش (۱۳۳۸). جنگ ايران و عراق - آثار و مفاهيم (شامل سلسله مقالات ارائه شده در كنفرانسی كه پس از پذيرش قطعنامه ۵۹۸ در تل آویو - سپتامبر ۱۹۸۸ برگزار شد) ترجمه خيرگزارى جمهورى اسلامى، شهريور.
- اکرمی نیا، محمد (۱۴۰۱). ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۱)، ۹-۳۴.
- باباپور گل افشانی، محمدمهدی (۱۳۸۹). آشنایی با دفاع مقدس؛ چ ۱، بابل: انتشارات نوح.
- بابایی، گلعلی (۱۳۸۶). نبردهای جنوب اهواز؛ چ ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس - انتشارات لوح محفوظ.
- بنی لوحی، سید علی (۱۳۷۸). ایران و آمریکا - امام خمینی و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ چ ۴، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پایگاه خبری تسنیم (۱۳۹۸/۶/۲۵). (قرارداد الجزایر - پیروزی یا فریب).
- پایگاه خبری مهر (۸۶۷/۴). (مروری بر ۱۲ قطعنامه سازمان ملل در خصوص جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)
- پورقربان، محمد (۱۴۰۱). نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه و مکتب دفاعی امام خامنه ای (حفظه الله). مطالعات دفاع مقدس، ۸(۴)، ۱۱۵-۱۴۲.
- پیکانی، محمد حسین (۱۳۹۱). جنگ شهرها و دفاع موشکی - بررسی تحلیلی حوادث سیاسی، نظامی و اجتماعی دوران جنگ شهری؛ چ ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- دیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع (۱۳۳۸). - جلد دوم، مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق، نوشته ژوهانس دیسنر، تهران، چاپخانه سپهر.
- درویدیان، محمد و بهاء‌الدین شیخ الاسلامی (۱۳۷۹). خونین شهرتا خرمشهر (سیری در جنگ ایران و عراق - ۱)؛ چ ۵، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- درویدیان، محمد (۱۳۷۵). علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود، سیاست دفاعی (ویژه نامه جنگ تحمیلی)، ۴(۳ و ۴).
- درویدیان، محمد (۱۳۸۶). گزینه‌های راهبردی جنگ (نقد و بررسی جنگ ایران و عراق ۵)؛ چ ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- درویدیان، محمد(۱۳۷۶). آغاز تا پایان- سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶، چ ۱، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)
- درویشی سه تالنی، فرهاد (۱۳۸۵). پرسش‌ها و پاسخ‌ها (جنگ ایران و عراق)؛ چ ۶، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)
- السامرای، و فقیق(۱۳۷۷). ویرانی دروازه شرقی(خاطرات سرلشگر عراقی و فقیق السامرای)؛ ترجمه عدنان قارونی؛ چ ۵، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- سوری، حسین؛ رنجبر، قاسم؛ محمدی، محمدرضا(۱۴۰۱). تحلیل جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی دفاعی. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۶۳-۱۸۳.
- صحیفه نور؛ امام خمینی (ره)؛ جلد ۱۵
- عبدالرحمن، احمد(۱۳۶۹). عبور از آخرین خاکریز (خاطرات اسیر عراقی)؛ ترجمه محمد حسین زوار کعبه؛ چ ۵، تهران: انتشارات سوره مهر وابسته به حوزه هنری.
- عسگری، محمود(۱۳۸۷). شیوه جنگ جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی (نامه دفاع)؛ چ ۱، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی- معاونت پژوهشی
- علایی، حسین(۱۴۰۱). بررسی و ارزیابی راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۳)، ۱۸۵-۲۰۸.
- کیاکجوری، کیانوش؛ اسلامی، الماس(۱۴۰۱). ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دفاع مقدس تا محور مقاومت.. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۳۵-۱۶۱.
- لدین، مایکل و لوئیس، ویلیام(۱۳۶۲)، هزیمت یا شکست رسوایی آمریکا، ترجمه احمد سمیعی (گیلانی)، تهران؛ نشر ناشر.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل(۱۳۸۹). آشنایی با دفاع مقدس؛ چ ۹، قم: انتشارات خادم الرضا (ع)
- نجف پور، مجید(۱۳۸۳). از جنوب لبنان تا جنوب ایران (خاطرات سردار سید رحیم صفوی ج ۱)؛ چ ۱، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نظامی پور، قدیر(۱۴۰۱). هستی شناسی و معرفت شناسی سیاست خارجی ایران دوران دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۱)، ۳۵-۵۹.
- وودز، کوین، ویلیامسون مورای و توماس هولادی(۱۳۸۹). جنگ صدام(دیدگاه فرمانده گارد ریاست جمهوری عراق)؛ ترجمه داود علمایی کویایی؛ چ ۱، تهران: نشر مرز و بوم.